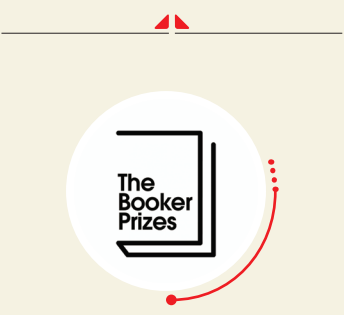




درگذشت کلودیا کاردیناله

کلودیا کاردیناله؛ بازیگر برجسته سینمای ایتالیا که با آثار کلاسیکی همچون «هشت‌ونیم» فلینی، «روکو و برادرانش» و «روزی روزگاری در غرب» سر جیو لئونه به شهرت رسید، در سن ۸۷ سالگی در فرانسه درگذشت. او با نقش آفرینی‌های ماندگار خود، از جمله در «پلنگ صورتی» و «کارتوش» به یک نماد سینمایی تبدیل شد. کاردیناله در طول بیش از پنجاهه فعالیت، توانست با بازی در فیلم‌های متنوع و همکاری با کارگردانان بزرگ، جایگاهی ویژه در تاریخ سینما پیدا کند. زندگی شخصی او پُر از چالش بود؛ تجربه تجاوز در نوجوانی که مجبور شد برای حفظ اعتبارش، حقیقت را پنهان کند. او در سال‌های پایانی نیز به کارگردانان جوان کمک می‌کرد و همچنان فعال بود. کلودیا با دریافت جوایز معتبر جهانی از جمله شیر و خرس طلایی افتخاری جشنواره ونیز و برلین و جایزه ویژه داوید دی دوناتلو، میراثی ماندگار از خود بر جای گذاشت که همچنان الهام‌بخش سینماگران و مخاطبان است.



معرفی نامزدهای نهایی «بوکر»

فهرست نهایی نامزدهای جایزه ادبی بوکر ۲۰۲۵ منتشر شد و امسال نامی از نویسندگان رمان اولی دیده نمی‌شود. این فهرست شامل نویسندگان شناخته‌شده‌ای همچون: برنده پیشین کران دسای، دیوید سالای و اندرو میلر است. دسای برای رمان جدیدش «تنهایی سونیا و سانی» که داستانی درباره عشق و خانواده است، نامزد شده است. نیمی از نامزدها، نویسندگان آمریکایی از جمله بن مارکوویس، سوزان چوی و کیتی کیتامورا هستند. آثار منتخب، موضوعات متنوعی دارند. از زندگی در هند و آمریکا گرفته تا داستان‌های تاریخی و ماجراجویانه. هینت‌داوران امسال شامل بازیگر «سارا جسیکا پارکر» است و ریاست هینت‌داوران نیز برعهده «رودی دوپل» نویسنده ایرلندی است، که در سال ۱۹۹۳ جایزه بوکر را برد. برنده نهایی جایزه در ۱۰ نوامبر اعلام می‌شود و ۵۰ هزار پوند دریافت خواهد کرد. جایزه بوکر از سال ۲۰۱۴، روی نویسندگان هر ملیتی باز است و هدف آن تقدیر از بهترین رمان‌های زبان انگلیسی در سال است.



تغییر خیابان شیرزاد به‌نام استادشهبازیان

شهردار منطقه ۱۱ تهران از نامگذاری یکی از معابر این منطقه به‌نام استاد فریدون شهبازیان، هنرمند پیشکسوت موسیقی، خبر داد. خیابان شیرزاد که یکی از معابر اصلی منطقه ۱۱ است، به پاسداشت مقام والای هنری و تأثیر عمیق شهبازیان در عرصه موسیقی به‌نام او تغییر یافته است. مهدی قمی با اشاره به سابقه درخشان این هنرمند در موسیقی، تأکید کرد که این اقدام در راستای ارج نهادهن به‌مفاخر علمی، فرهنگی، ورزشی و شهدای کشور انجام شده است و مدیریت شهری تهران همواره تلاش می‌کند تا نام و یاد این شخصیت‌ها را زنده نگه دارد. شهردار منطقه ۱۱ افزود که قصد دارند در آینده نزدیک، معابر دیگری را نیز به‌نام شهدای اقتدار نامگذاری کنند تا یاد و خاطره آنها همواره در دل شهروندان باقی بماند. روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱ تأکید کرد که این اقدام، بخشی از برنامه‌های گسترده‌تر برای ترویج فرهنگ و هویت محلی و ملی است.

بازگشت، گذار و ماندن

آدم‌های زندگی قبلی» داستان تأثیر افراد و مکان‌ها بر زندگی و مرز انفعال و عاملیت انسان در مواجهه با آن‌هاست



طوری که احساس می‌کند حرف‌های ایراندخت شکافی در زندگی اش ایجاد کرده؛ «حالا بنظر من می‌رسد تکه‌ی بزرگی از مرا کنده‌اند، قاب گرفته‌اند، زده‌اند به دیوار تا خشک شود. زیرش هم نوشته‌اند: «زندگی قبلی»... احساس می‌کنم آن تکه‌ی جداشده، نه به گذشته، که به دنیای دیگری تعلق دارد. این گسست، وحشت‌زده‌ام می‌کند. دلم می‌خواهد حس یکپارچگی‌ام برگردد.» چالش اساسی ایراندخت و راوی و مدل‌های متفاوت رفتاری‌شان، راوی را به نقطه‌ای می‌رساند که مجبور به ترک خانه‌ی ایراندخت می‌شود. سراسر این فصل، حول مفهوم «بازگشت» می‌چرخد.

گذار

در فصل دوم، مفهوم «گذار» موج می‌زند. در فلش‌یک‌های این فصل، راوی و وحید از دواج کرده‌اند و رفته‌اند خانه‌ی خودشان در طبقه‌ی بالای یک خانه‌ی قدیمی؛ گرچه همچنان در تبریز، راوی حامله شده. وحید از این موضوع دل خوشی ندارد و مسئولیتی در این رابطه نمی‌پذیرد. در زندگی حال حاضر راوی در این فصل هم، او خانه‌ی موقتی پیدا می‌کند با صاحبخانه‌ای آلمانی به اسم انجی و تا زمان برگشت دوست‌پسر انجی از کنیا می‌تواند در این خانه اقامت داشته باشد. انجی آلمانی‌ای است کنجکاو در مورد تفاوت‌های فرهنگی و آگاه به چالش‌های مهاجرت. رفتارهای انجی مقابله‌ای در راوی برنمی‌انگیزانند؛ هرچند همیشه هم نمی‌فهمدشان. در این فصل راوی در تلاش برای جافتادن است. کلاس زبان و سینما می‌رود و در پارک محله با پیرزن‌های آلمانی دست‌وپاشکسته حرف می‌زند. گرچه نگاه خاطره‌بازانه‌اش به گذشته را تا حد زیادی تعدیل کرده و در جواب ناصر که به او پیشنهاد کرده که با هم بروند بیرون و به دنیای خیابان نهال، نه می‌گوید و فکر می‌کند: «دیگر نمی‌خواهم بروم خیابان نهال. یکبار زندگی کردن در آن خیابان بس است.» و به‌جایش به‌پنهانی جشن آفتاب، تنهایی می‌زند بیرون، اما همچنان نمی‌تواند دل یک‌دله کند. همچنان فکر می‌کند «کلید دارم، اما خانه نه. احساس مال یاخته‌ای را دارم که همه‌ی دارایی‌اش را در قفاری باخته است.» و همچنان ذهن‌اش درگیر این است که «از

معرفی کتاب

آدم‌های زندگی قبلی

نویسنده: فریبا وفی

انتشارات: چشمه

قیمت: ۳۵۰ هزار تومان



مکان و دو موقعیت مختلف می‌کشانند. ناصر همسایه‌ی دوران کودکی راوی در خیابان نهال تبریز است که گرچه «برلین را مثل کف دست‌اش می‌شناسد» اما «انگار نه در برلین که در خیابان نهال می‌چرخد.» و راوی را با خود می‌برد به مکان‌ها و آدم‌هایی خیلی دور؛ با تصویرهایی شفاف که گرچه لزوماً خوشایند نیستند اما خاطره‌برانگیزند. ایراندخت، اما پناهنده‌ای است که از شوهرش جدا شده و به‌خوبی با زندگی و مکان جدید اخت پیدا کرده و در جامعه‌ی میزبان ادغام شده است. خانه‌ی ایراندخت و رفتارهایش با الگوهای آلمانی و حتی بهتر از خود آلمانی‌ها دکور بندی و چیده شده و به‌همین دلیل احساس عدم‌تعلق و بی‌قراری راوی در آن زیاد است. ایراندخت، خسته از خاطره‌بازی‌های راوی، مدام او را تشویق می‌کند که با یاد گرفتن زبان و آداب اجتماعی جامعه‌ی مقصد، از گذشته‌اش دل بکند، با آدم‌های جدیدی آشنا شود و از شهر و جامعه‌ی جدید و امکانات‌شان «استفاده کند.» این اختلاف‌نظر برای راوی، که هنوز تمایل بیشترش به برگشت است، چالشی بزرگ ایجاد می‌کند؛



مریم کهن‌سال نوده‌ی

پژوهشگر مطالعات فرهنگی و شهری

«آدم‌های زندگی قبلی» روایت زنی است میانسال، اهل تبریز و ساکن تهران، که به سودای آشنایی با فرهنگی متفاوت و دیدن آدم‌های تازه، با دعوت‌نامه‌ی شوهری که سال‌ها پیش رهایش کرده و به آلمان آمده، ویزای پیوسته‌به‌خانواده‌ای گرفته‌و در حال جافتادن در شهر جدید محل سکونت‌اش، برلین است. تمام داستان حول این جافتادگی یا نینفادگی، دوگانه‌های پیوست و گسست و انفعال و عاملیت می‌چرخد. «آدم‌های زندگی قبلی» داستان تأثیر افراد و مکان‌ها بر زندگی انسان و مرز انفعال و عاملیت انسان در مواجهه با آن‌هاست. فارغ از بخش آغازین رمان که درچه‌ای است برای درک وضعیت و موقعیت راوی، داستان در سه فصل روایت می‌شود که هر کدام شامل بخش‌هایی با رفت‌وبرگشت به زمان گذشته و حال و به مکان‌ها و آدم‌های قبلی و جدید است. در خلال این رفت‌وبرگشت‌هاست که راوی با سه مفهوم اصلی «بازگشت»، «گذار» و «ماندن» درگیر می‌شود و بر کنار آن‌ها مفاهیمی چون ترس، تنهایی، گم‌گشتگی، غریبگی و آزادی بازی می‌شوند.

بازگشت

وحید، شوهر راوی، که همیشه «در رؤیای رفتن بود، همه‌جا برایش گذرگاه بود و همه‌وقت دوران گذار.» مؤثرترین فرد بر زندگی راوی و تصمیم‌های او است. در فلش‌یک‌های فصل اول، راوی و وحید، مثل اغلب جوان‌های سال‌های اول انقلاب پر جنب‌وجوش‌اند و زندگی اجتماعی‌شان، با دو سبوه‌ی متفاوت هنری و سیاسی، در جریان است. به‌تدریج وحید با تقلیل دادن فعالیت‌ها و رفقای هنری راوی، پای او را از محافل کوتاه و دنیایش را به زندگی روزمره و عشق خودش محدود می‌کند؛ موضوعی که بعدها دستاویزی برای تحقیر راوی توسط وحید می‌شود. در زندگی حال حاضر راوی در فصل اول، ناصر و ایراندخت‌اند که او را از دو سوبه‌ی دو

چرا امید تنها راه نجات ماست؟

مروری بر کتاب «امید» اثر استان ون هوفت که این مقوله را شرط لازم

برای وجود انسان و زیست اخلاقی می‌داند

معرفی کتاب

امید

نویسنده: استان ون هوفت

مترجم: مهدی نصراله‌زاده

انتشارات: بیدگل

قیمت: ۲۳۸ هزار تومان



نیلوفر نادری

مترجم و روزنامه نگار

لرد بایرون، شاعر و سیاستمدار برجسته انگلیسی، در مورد امید چنین گفته است: «امید چیست؟ هیچ چیز، مگر رنگ و آبی بر سیمای وجود؛ کمترین سایش حقیقت، امید را پاک می‌کند و آن‌گاه خواهیم دید که چه لکاته نزاری در اختیار داشته‌ایم.» در مقابل یوگنی باراتینسکی، شاعر مشهور روس، درباره امید این سخن ژرف را بیان کرده است: «مشیت خداوندی انتخاب میان دو تقدیر را در اختیار خرد و عقل بشری قرار داده است: یا امید و جنب‌وجوش یا نومیدی و سکون.» از این دو گفته برمی‌آید که امید مفهومی پیچیده و بحث‌برانگیز است. برخی به پیروی از لرد بایرون، امید را ذیلتی می‌دانند که انسان را به خطای کشاند و برخی دیگر مانند یوگنی باراتینسکی، امید را نعمتی الهی می‌دانند که به زندگی شور و حرکت می‌بخشد. بنابراین جای تعجب نیست اگر بگوییم که نحوه زیست ما در جهان و تعریفی که از انسانیت ارائه می‌دهیم،

ارتباط مستقیمی با نگرش ما نسبت به امید دارد. به عبارت دیگر اینکه ما چگونه انسانی هستیم و خود را چگونه می‌بینیم، نشان‌دهنده دیدگاه ما درباره مفهوم امید است. استان ون هوفت، دانشیار فلسفه در دانشگاه دیکین ملبورن، یکی از فیلسوفان برجسته معاصر جهان است که در سال‌های اخیر روی مفهوم امید تمرکز کرده و کتابی هم‌با همین عنوان نوشته است. او معتقد است، در جهانی که آبستن مصیبت‌های مختلفی مانند جنگ، فقر و بحران‌های محیط‌زیستی است، امید تنها کلیدواژه‌ای است که می‌تواند زیست روزمره ما را ممکن کند.



اودر این کتاب، قصد دنبال کردن مسیرهای الهیاتی یا اخلاق گرایانه را ندارد و به امید به‌عنوان فضیلتی اساساً الهیاتی یا محرکی ذاتاً اخلاقی نگاه نمی‌کند و می‌کوشد با چارچوبی ارسطویی به چیستی امید و نقشی که در زندگی روزمره ما انسان‌ها دارد، بپردازد. او معتقد است که امید یکی از ساختارهای بنیادین نحوه‌ای است که ما انسان‌ها زندگی‌مان را زندگی می‌کنیم. در واقع امید شیوه‌ای است برای شکل دادن به نحوه‌ای که خودمان و جهان را می‌نگریم. او بیان می‌کند که امید می‌تواند راه‌هایی بخش، سازنده و سازگار با عقلانیت و واقعیت باشد و هر نوعی از امید که نسبتی با عقل و واقعیت ندارد، باید کنار گذاشته شود.

مرزهای ظریف یک مفهوم پیچیده

نقطه آغاز این کتاب، کندوکاو درباره دلالت‌های معنایی مفهوم امید در زندگی روزمره ماست. همچنین به بررسی تاریخی و فلسفی امید در سنت غربی نیز می‌پردازد. نویسنده از فیلسوفان بزرگ کلاسیک مانند ارسطو و اماتئول کانت، همچنین متفکران معاصرتری نظیر پل ریکور، اماتئول لویناس و برنارد ویلیامز الهام گرفته است. او با مرور اندیشه‌های این فیلسوفان، تلاش می‌کند تصویری جامع و چندوجهی از امید ارائه دهد که نه‌فقط در فلسفه اخلاق، بلکه در کل ساختار وجود انسان جایگاه دارد. در این اثر، امید از سطح یک حالت ذهنی یا یک احساس گذرا فراتر می‌رود و به‌عنوان شرط لازم برای وجود انسان و زیست اخلاقی مطرح می‌شود. به بیان دیگر آنچه ما از اخلاق و فضیلت درک می‌کنیم، ریشه در وجود امید دارد و بدون امید، این مفاهیم بی‌معنا خواهند بود. یکی از موضوعات مهمی که ون هوفت در کتاب خود به آن می‌پردازد، تمایز دقیق میان امید، امیدواری، خوش‌بینی و بدبینی است. بسیاری از ما معمولاً این